طلیعه

ترکش‌های انتخاب ترامپ بر آینده برجام

مجید سلیمی‌پروچنی
کارشناس اقتصادی

پس از ماه‌ها انتظار بسیاری از مردم جهان، بالاخره هشت نوامبر فرا رسید و مردم آمریکا پای صندوق‌های رأی رفتند تا چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا را انتخاب کنند. با وجود نظرسنجی‌ها و پیش‌بینی‌هایی که صورت گرفته بود و همواره هیلاری کلینتون را با اختلاف نسبت به ترامپ در صدر قرار می‌داد، نتایج به گونه‌ای دیگر رقم خورد و کاندیدای جمهوری‌خواهان مانع از به ریاست‌جمهوری رسیدن نخستین زن در تاریخ ایالات متحده آمریکا شد. از اواخر ژانویه، دونالد ترامپ مسئولیت تمام امور اجرائی آمریکا را بر عهده خواهد داشت و از حمایت کثرت جمهوری‌خواه متحد پشت سرش بهره‌مند می‌شود. بنابراین او در موقعیتی خواهد بود که تغییرات پایدار و عمیقی را در سیاست و جایگاه جهانی ایجاد کند.

علل و ریشه‌های اقبال بسیار گسترده مردم آمریکا به دونالد ترامپ هرچه بود، باشد. این انتخاب یک پیامد مستقیم دارد که می‌تواند چارچوبی برای پیش‌بینی رفتارهای آتی ایالات متحده در صحنه بین‌المللی به‌طور عام و در قبال جمهوری اسلامی ایران و برجام به‌طور خاص باشد. چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور آمریکا هر اندازه هم که هنوز برای تحلیلگران ناشناخته باشد، بارها نشان داده که اعتقاد چندانی به بسیاری از نهادهای بین‌المللی فعلی از جمله معاهدات تجاری نفتا، ناتو و برجام ندارد. نفتا و TPP را عامل اصلی کاهش اشتغال آمریکایی‌ها می‌داند، بودجه‌بندی فعلی ناتو را غیرمنصفانه می‌داند و سایر اعضا را متهم به سواری مجانی می‌کند و برجام را «یکی از بدترین توافقاتی که دیده است» و نیازمند «مذاکره مجدد» ارزیابی می‌کند. ترامپ حتی از پاره‌کردن آن هم ابایی ندارد. فراموش نکنیم که بانک‌های بزرگ بین‌المللی و شرکت‌های بزرگ اروپایی همگی در انتظار نتایج انتخابات آمریکا از هرگونه توسعه همکاری‌های معنادار با همتایان ایرانی خود اجتناب می‌کردند، به این امید واهی که هیلاری کلینتون به عنوان ادامه‌دهنده راه اوباما و گری، رئیس‌جمهور ایالات متحده شود.

بالغ بر ۲۵ طرح ضدایرانی از زمان مذاکرات هسته‌ای در مجلس نمایندگان و سنا آماده تصویب و امضای رئیس‌جمهور آمریکاست. با هماهنگ‌شدن هر دو مجلس کنگره با رئیس‌جمهور جدید جمهوری‌خواه آمریکا، احتمال تصویب برخی از این طرح‌ها در ماه‌های آتی بسیار بالاست با لااقل تهدید به تصویب آنها از سوی بنگاه‌های اقتصادی خارج از کشور بسیار معتبر ارزیابی می‌شود. تزازدی برجام تلاشی ستودنی در حوزه دیپلماسی برای دانشجویان روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل در سراسر دانشگاه‌های دنیا خواهد بود. ترامپ یک فرصت استثنایی برای نزدیکی و تعمیق روابط ایران و اتحادیه اروپا خواهد بود. توسعه روابط اقتصادی- سیاسی اتحادیه اروپا در تهران، گامی بزرگ در توسعه روابط خواهد بود که باید با جدیت پیگیری شود. تعمیق روابط با اتحادیه اروپا می‌تواند انگیزه‌ای تحریم‌های بخچاب اتحادی آنی آمریکا را تا حد زیادی خنثی کند. حتی اگر اتحادیه اروپا و مخصوصا آلمان، فرانسه و ایتالیا، می‌توانند ایران را در طراحی و اجرای سیاست‌های خروج ملایم از برجام یاری کنند. به اعتقاد برخی کارشناسان اظهارنظر پیرامون تبعات حضور ترامپ در کاخ سفید بر مناسبات اقتصادی و سیاسی ایران، هنوز زود است چون تا امروز برنامه‌های واضح و جامعی از ترامپ و حزب جمهوری‌خواه در این حوزه ندیده‌ایم و همه چیز در حد شوهای تبلیغاتی قبل از انتخابات بوده است. نباید فراموش کنیم به دلیل سیستم کلی اقتصاد آمریکا که سرمایه‌داری بوده و چحبگیری‌های بزرگ از این منشخص است، ترامپ نخواهد توانست تغییرات چندانی در آن بدهد و نمی‌تواند یکباره مسیر اقتصادی آمریکا را تغییر دهد. در مجموع می‌توان گفت نمی‌توان نهادهای اقتصادی ریشه‌دار و قدیمی در آمریکا مثل وال‌استریت، سیستم بانکی، صنعتی، کشاورزی، فرونش مالی، موقعیت دلار و متغیرهای مختلفی که در آن وجود دارد را به‌راحتی و سریع دگرگون کرد. ایران در روزگار پسابرجام نیازمند حضور عملیاتی سرمایه‌گذاران خارجی خواهد بود و با توجه به موضع‌گیری‌های فردی ترامپ در تبلیغات انتخاباتی‌اش، مقداری تزلزل در کوتاه‌مدت در تصمیمات شرکت‌ها و بانک‌های بزرگ غربی برای ورود به بازار ایران به وجود خواهد آمد.

اما این در دیپلماسی دولتمردان ماست که با شناسایی درست و دقیق فضای اقتصاد جهانی در ماه‌های پیش‌رو، تبعات منفی صحبت‌های ترامپ درخصوص ایران را خنثی کند. در کل می‌توان گفت با حضور رئیس‌جمهور جدید در کاخ سفید، وی طبق قوانین بین‌المللی، موظف خواهد بود مطابق با محتوای برجام، موضوع لغو تحریم‌ها و سایر موارد را پیاده کند. با این حال با توجه به اینکه اقتصاد ایران، وابستگی تجاری خاصی به آمریکا ندارد، تغییرات عمده‌ای در اقتصاد ایران به وجود خواهد آمد. تغییرات و کاهش ارزش دلار و افزایش ارزش طلا در بازار بین‌المللی نیز به‌تدریج به حالت قبل بازخواهد گشت. در کل این امر، خود دنیا شتم‌انتظار نهایی‌شدن تیم جهان دولت هستند. با انتخاب کابینه جدید رئیس‌جمهور آمریکا، بهتر و دقیق‌تر می‌توان درباره ابعاد اقتصاد ایران و سرنوشت برجام صحبت کرد.

حامد طیبیی

ترامپ با ایران و برجام چه خواهد کرد؟ این سؤالی است که پس از توافق هسته‌ای ایران و آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما، ایرانیان را بیش از هر زمان دیگری نسبت به واکنش‌های رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده حساس کرده است. جاوید قربان‌اوغلی، مدیر کل وزارت خارجه دولت اصلاحات، از جمله دیپلمات‌های باسابقه‌ای است که دیدگاه عمل‌گرایانه در قبال آمریکا داشته و از حامیان جدی توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ به شمار می‌رود. او در گفت‌وگو با «شرق» به آخرین اتفاقات در موضوع ترامپ و ایران پرداخت.

■ آیا روندی که دونالد ترامپ درباره مسائل مرتبط با سیاست خارجی در پیش گرفته و نوعی سکوت رازآمیز را دنبال می‌کند، امری معمول برای رؤسای جمهور منتخب است؟

اولا همان‌طور که آقای اوباما در یک اظهارنظر شفاف درباره ترامپ -خلف خود- گفت مسئولیت اداره کشور در مسند ریاست‌جمهوری با آنچه در زمان کمپین انتخاباتی بیان شده بوده کاملا متفاوت است. ترامپ از زمان انتخاب سعی کرده کمتر به سیاست خارجی ورود کند. این مسئله البته دلایل بسیاری دارد که اگر تمایل داشتید در ادامه بحث به آن خواهم پرداخت.

■ بله حتما. مسئله این است که شاید بلیه رؤسای جمهور منتخب ایالات متحده نیز در مقطع انتقال دولت، همین روند را سپری می‌کردند اما به دلیل شناخته‌شده‌بودن و دارابودن سوابق سیاسی، این میزان تعلیق درباره عملکرد آنان ایجاد نشده بود. آیا می‌توان فقدان شناسنامه سیاسی برای ترامپ را عامل تشدید نگرانی‌ها دانست؟

اگر بخواهم با ادبیات رسمی‌تری توضیح بدهم تصورم این است که این اتفاق را باید ناشی از احتیاط ترامپ در درجه اول با توجه به فقدان سابقه سیاسی و اجرائی او و البته مشاورت کسانی که به او نزدیک هستند و تیم سیاست خارجی را رأیزنی می‌کنند دانست. به‌هرحال مشاوران رئیس‌جمهور منتخب در تلاش هستند پیش از اینکه به تصمیم درباره سیاست‌های کلی خارجی برسند از ترامپ بخواهند از ورود به جزئیات پرهیز کند.

مثل دهه ۹۰ هستیم که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و برهم‌خوردن جهان دوقطبی اتفاق افتاد. اگر بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و نظامی دنیا درحال‌حاضر از برخی از سیاست‌های کلی دست‌کشی می‌شود و این مسئله‌ای نیست که فقط در اختیار ترامپ باشد.

■ در روزهای گذشته اظهارات مختلفی درباره سود یا زیان احتمالی حضور ترامپ در کاخ سفید برای ایران و ایرانیان شنیده شده است. خود شما فکر می‌کنید این تاجر کمتر سیاسی، بیش از یک جمهوری‌خواه شناخته‌شده با نامزد دموکرات‌ها، به سود ایران باشد؟

من از ابتدا با این ایده مخالف بودم و اعتقاد داشتم ورود فردی که حداقل کارنامه شفافی در مسائل سیاست خارجی دارد و تجربیاتی را داشته و تیم همکار و شناخته‌شده هستند با همه مخاطرانی که می‌توانست برای ایران در حوزه اجتماعی و نه نظامی داشته باشد، مطلوب‌تر بود؛ این ساده‌انگاری است که با همسان‌سازی مسئله وارد‌شدن ترامپ به موضوعات سیاسی و پیشینه تجاری او بتوانیم از «معامله بین ایران و ترامپ» سخن بگوییم. چنین فردی که طیفی از افراطیون بسیار تند و همچنین جمهوری‌خواهان عمل‌گرا را تشکیل می‌دهند. اگر چنانچه کابینه بتواند ترکیبی از این دو بشود شاید ترامپ به تعادلی در دیدگاه برسد. اگر این گمانه‌زنی درست باشد که ترامپ از میست راهنی برای وزارت خارجه دعوت کرده تعدیل خوبی به نسبت جان بولتون و رود جولیانی صورت گرفته و حداقل وزارت‌خارجه. افراطی عمل نخواهد کرد.

■ با توجه به طرح‌شدن گزینه‌هایی رسانه‌ای برای وزارت امور خارجه ایالات متحده که جملگی مواضع تندی در قبال ایران دارند. شعارهای ترامپ مبنی بر فلسفه‌کردن از مسائل دیپلماتیک و توجه بیشتر بر مسائل داخلی آمریکا رنگ می‌بازد؟ یعنی باید در انتظار رفتارهای شبیه دولت نتوکان‌ها در قبال ایران بود؟

من تصور نمی‌کنم چنین چیز شود. آنچه مقصود شماست رویکرد کلی ترامپ است و جریانی که از آنها به عنوان «ازوطلبان» یاد می‌شود که درست در مقابل تز جهانی‌شدن دوران گذشته ایستاده است. در واقع ترامپ به‌صراحت گفته باید بیشتر به آمریکا پرداخت و فرصت‌های شغلی که به چینی‌ها و... داده شده باید برگردد. همچنین تمام هزینه‌هایی که درزمینه امنیت ژاپن، عربستان و اروپا صورت گرفته اگر تمایل به استمرار آن وجود دارد، به وسیله خود این کشورها تأمین شود. اروپا و ژاپن برای همین بسیار ترسیده‌اند. اگر ایالات متحده از تأمین امنیت آنها رویگردان شود امنیت آنها زیر علامت سؤال می‌رود و اگر این رویه با پرداخت هزینه‌های خود آنان انجام شود توازن جدید در مناطقی که حوزه منافع آمریکا بوده برقرار می‌شود. برخی می‌گویند این رویکرد موجب خیزش جدید برای روسیه، چین و حتی ایران می‌شود که با این نوع سیاست‌های آمریکا موافق نبودند؛ اما موضوع اصلی اینجاست که اعمال این سیاست‌ها که ترامپ از آنها سخن می‌گوید برای آمریکا آسان نیست چراکه تأمین امنیت در این حوزه‌ها از توانمندی‌های روسیه و چین بیشتر است. صحبت بر سر هزینه‌های مادی نیست. صحبت سر سیستم و سازوکاری است که در دنیای جدید دنبال می‌شود. اگر این به هم بخورد شاهد زلزله‌ای

عکس: جواد آشتیانی

جیست؟ به نظر شما این دیدگاه که اگر چند ماه روابط مدیریت شود، ترامپ در مسائل و چالش‌های روبه‌تزاید درون جامعه آمریکا هضم می‌شود و اثری از او در سیاست خارجی دیده نخواهد شد، پذیرفتنی است؟

براساس وعده‌های انتخاباتی ترامپ، او در سامانه‌دهی وضعیت داخلی به احتمال زیاد با چالش‌هایی جدی روبه‌رو می‌شود؛ به‌هرمزدبرسانوکار سرمایه‌سالاری و انگیزه‌های بالای سود که باعث می‌شد بنگاه‌های بزرگ دارو معاملات آن‌چنانی با چین و... شوند. مسئله نیست. نبود سرمایه‌های بزرگ نیز و عربستان ممکن است فرصت‌های فرصت‌طلبی و سرمایه‌ها و صنعت به خود آمریکایی‌ها ساده نیست. او در داخل دشمنان دیگر مسائل هستند. این تحلیل. تحلیل درستی است. اما باید توجه کرد همان‌طور که اشاره کردم، تیم تندروی همراه او می‌تواند برای سرپوش‌گذاشتن بر بحران‌های داخلی، با برجام خواهیم بود. اگرچه من هم معتقدم امکان کمی وجود دارد که ترامپ بتوانسته این توافق را پاره کند؛ اما در دوران ترامپ، در صورت اشتباه یکی از طرفین برجام یا دخالت کشورهایی که رسما با برجام مخالف بودند، فضا بسیار شکننده خواهد شد. اعراب و ترکیه و رژیم اسرائیل مترصد فرصت بودند تا بتوانند فرصت بیشتری برای نقش‌آفرینی در برهمزدن برجام داشته باشند. در دوران ترامپ اگر موضوعاتی مانند ماجرای خلیج فارس و ورود قایق‌های نیروهای دریایی آمریکا به آب‌های ایران اتفاق بیفتد، نباید تصور کنیم همان واکنشی را از آمریکا می‌بینیم که در دوران اوباما دیدیم. این رویکرد تندروهای آمریکا را در سال آخر جنگ فراموش نکرده‌ایم که به هواپیمای مسافری ما شلیک کرد یا به‌طور رسمی وارد برد شدیم. بنابراین وعده می‌گویند او تاجر است. تیم همراه او بسیار به درگیری علاقه دارد.

■ با این حساب بهترین راه برای طی‌کردن دوران گذار روابط با ترامپ چیست؟ به نظر شما دقیقا چه موضوعاتی است؟

یکی از موضوعات مهم ما مسئله برجام است؛ مشخص است تیمی که در حال چیش کابین آن است، آن تقیدی را ندارند که نامزدهای دیگر - حتی غیردموکرات‌ها- نسبت به دستاورد برجام برای جهان دارند؛ این به این معناست که حتی درصورتی‌که اتفاق خاصی نیفتد، شاهد کندی پیشرفت ساختن بحران‌های خارجی به سمت ایجاد اجماع ملی و همگرایی در داخل حرکت کند. اتفاقا آمریکایی‌ها انگیزه‌های بالایی برای مواجهه و رویارویی با دشمنان فرضی دارند؛ اما اینکه ایران چه کند، من هم معتقدم به‌هیچ‌عنوان به‌دنبال بهانه‌دادن نسبت به آمریکا نباشد و از اقدامات و سخنانی که از آن تنش برداشت می‌شود بپرهیزد کند. مقام معظم رهبری با سخنان اخیر خود فرصت اظهار نظرهای فردی را مدیریت کردند و این بسیار با دقت و موقع‌شناسی اتفاق افتاد.

■ اما فرجام برجام مسئله‌ای است که در نشست‌های خبری اوباما با مسئولان سایر کشورها و حتی سؤال‌ها از ترامپ و اظهار نظرهای مقام‌های اروپایی، درباره آن بحث می‌شود و اظهار نظر دربارهٔ آن اجتناب‌ناپذیر است؟

اتفاقا اکنون زمان آن است که ایران بر پایبندی خود بر برجام با شفافیت بیشتر سخن بگوید. علت این است که هرگونه اقدامی از سوی آمریکا برای دورشدن از برجام باعث چسبندگی بیشتر اروپا به ما و حتی چین و روسیه خواهد شد. بارها گفته شده برجام یک توافق بین‌المللی است نه توافق ایران و آمریکا. به نظرم ایران باید دربهین‌به‌دست دنبال عقلای تیم جدید سیاست خارجی آمریکا بگردد و از طریق لابی، سیگنال‌هایی ارسال کند که بتواند رفتارهای دولت جدید را تعدیل کند. نکته بعدی این است که ایران باید در این شرایط از رویکرد اقتصادی ترامپ استقبال کند و دریچه‌هایی را برای ورود آمریکایی‌ها به این فرصت‌ها با درنظرداشتن مسائل امنیتی خود باز کند. نباید شعاری با مسائل برخورد کنیم؛ در آمریکا، هم سرمایه وجود دارد هم تکنولوژی بالاتر؛ بنابراین مطلوب آن است که با ایجاد رقابت بین قدرت‌ها در راستای منافع ملی، بین اروپا، روسیه، چین و آمریکا رقابت ایجاد کنیم. موضع‌گیری ترامپ در نطق پس از پیروزی تا حدی کلیدی بود؛ اینکه اگر کشورها با ما خصومت نداشته باشند، هیچ‌گونه مشکلی با آنها نداریم. این راهبرد برای سیاست‌سازان کشور حتما می‌تواند راهگشا باشد.

■ کنگره آمریکا بار دیگر منع فروش هواپیمای بوینگ به ایران را تصویب کرد؛ خلاف شعارهای ترامپ که به دنبال دورانی‌کردن اقتصاد آمریکاست. چقدر باید نگران کنگره و سنا با اکثریت جمهوری‌خواه بود؟

اکنون زمان آن است که ایران بر پایبندی خود بر برجام با شفافیت بیشتر سخن بگوید. علت این است که هرگونه اقدامی از سوی آمریکا برای دورشدن از برجام باعث چسبندگی بیشتر اروپا به ما و حتی چین و روسیه خواهد شد. بارها گفته شده برجام یک توافق بین‌المللی است نه توافق ایران و آمریکا. به نظرم ایران باید دربهین‌به‌دست دنبال عقلای تیم جدید سیاست خارجی آمریکا بگردد و از طریق لابی، سیگنال‌هایی ارسال کند

شما مطرح‌کردن هر دو گزینه را در دستور کار قرار دهید. اگرچه در سخنرانی پس از انتخابات، خود را رئیس‌جمهور همه آمریکایی‌ها خواند، به نظر می‌رسد هدف اصلی ترامپ دستیابی به مقام ریاست‌جمهوری با اعتقادات شخصی خود و نه فلسفه حکومتی دو حزب اصلی است. هنوز که خبری دعوای‌های انتخاباتی فرو نشسته‌است، از نام‌نویسی مسلمانان سخن می‌گوید تا آنها را وارد فهرست متداول گروه‌های نژادی آمریکا - شامل سفید، سیاه (آفریقایی‌تبار)، قفقازی، آسیایی، بومی آمریکایی و... کند. اطرافیان او، از جمله رودی جولیانی، جوانبی‌ترسناک‌تر اسبق نیویورک، که دشمنی علنی خود را با مسلمانان باز اعلام کرده و نیز جان بولتون که ایران را به بمباران تهدید کرده است، اکنون در فهرست وزیران احتمالی ترامپ قرار دارند. نکته مهم این نیست که این شخصیت‌ها درنهایت به عنوان همکاران ترامپ برگزیده شوند یا نشوند. مهم ویژگی‌های شخصیت‌هایی است که دور و بر ترامپ می‌یلکند و نماینده چه ترامپی به آدار سیاست‌گزار هستند.

۷ -اما درباره تأثیر انتخابات اخیر آمریکا بر روابط میان آمریکا و ایران، به‌طورکلی، مسئولان دولتی ایران از رفتار حکومت‌های حزب دموکرات ایران‌گرا تر از حزب جمهوری‌خواه بوده‌اند. در حل حاضر نیز همین برداشت جلب نظر می‌کند. روابط ایران با آمریکا در سطحی بسیار گسترده‌تر از آن شکل می‌گیرد که در روزنامه‌های ایران اعم از نشریات چاپ موسوم به محافظه‌کار یا میانه‌رو منعکس است. روابط ایران با آمریکا مسئله‌ای بین‌المللی و منطقه‌ای است و کفت‌وگو دراین‌باره به شکلی که در جراید ایران منعکس می‌شود، فقط ظاهر قضیه است. در همین سیاق، دو هفته که از انتخابات آمریکا می‌گذرد، بحث در آمریکا درباره کل خاورمیانه است. نه تک‌تک کشورهای آن. خاورمیانه از زمان تجزیه امپراتوری عثمانی تاکنون (حتی از دورانی پیش از جنگ‌های صلیبی)، همواره برسلسله و مغشوش بوده است.

همین حالت آشفته‌گی که امروز در خاورمیانه از سواحل جنوبی دریای مدیترانه تا بمن دیده می‌شود، به صورت ادواری از بیش از دو هزار سال پیش وجود داشته است. قدرت‌های مطرح باستانی در جزیره‌ای با بمن دیده می‌شود، به صورت ادواری از بیش از دو هزار سال پیش وجود داشته است. قدرت‌های مطرح باستانی در جامعه آمریکا همگان به این نتیجه رسیده‌اند انتخابات ریاست‌جمهوری در نوامبر ۲۰۱۶ بدترین و زشت‌ترین انتخابات ثبت تاریخ آمریکا خواهد بود. در توضیح این کیفیت نامطلوب، مطالب زیادی در رسانه‌های عمومی ایالات متحده آمریکا و جهان منتشر شده که نیازی به تکرار آنها نیست. اما خطوط کلی انتقادات وارده را می‌توان به صورت فشرده به شرح زیر تبریز کرد:

۱ -نظام سیاسی حکومت ایالات متحده آمریکا، بر پایه دوحزبی - احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه- اداره می‌شود. صرف‌نظر از تاریخ و فلسفه تشکیل و تکامل این دو حزب، بر پایه سنت سیاسی آمریکا، این دو حزب مکمل یکدیگر هستند نه دشمن و قاتل یکدیگر. هر یک از دو حزب مورد اشاره طیف یا طیف‌هایی خاص را نمایندگی می‌کنند. مردم آمریکا همه مهاجرند، اما برخی بومی‌تر از دیگران هستند. بسته به ریشه و ایزهای هر گروه، برداشت‌ها و ذهنیات آنها نسبت به حکومت و شیوه عمل آنها با هم متفاوت است. همین تفاوت‌ها منجر به جذب یک گروه به یکی از دو حزب و دفع آن از حزب دیگر است. ارزش‌های اجتماعی شکل‌دهنده در هر دو حزب را می‌توان روی یک خط مستقیم قرار گیرند. گروه‌های متمایل به سوسیالیسم و توجه لروت و رفاه اجتماعی مثل همه مردم آمریکا در منتهی‌الیه سوچ چپ این خط قرار می‌گیرند. طرفداران سرمایه‌داری، لیبرالیسم، امپراتوری خواهان و تروندمان والاسترت نیز منتهی‌الیه دست راست این خط حتی خواهان حکومت حتی بیانی افراد و گروه‌های معتدل‌تر است. اگر دولت در دوره جهارساله زمامداری خود نیازهای مردم و وعده‌هایی را که در انتخابات داده است تامین کند، گرایش مردم به کاندیدای حزب مقابل کم می‌شود و حکومت با اکثریت بسیار کمی به حزب دیگر واگذار می‌شود که در کشاکش انتخاباتی تلاش می‌کند نظر مردم را تامین کند. بیشتر مانورها و هیجانات انتخاباتی آمریکا تقریبا در وسط خط تعادل دو حزب صورت می‌گیرد و تفاوت آرای حزب برنده کمتر از پنج درصد است. مبارزه سالم انتخاباتی چیزی متفاوت از آن است که در انتخابات اخیر دیده شد. کاندیداها نماینده حزب هستند نه نماینده خودشان. قانون اساسی آمریکا با یک عبارت بسیار روشن و تاریخی آغاز می‌شود: «ما مردم... » (We ... people the) و مفهوم آن این است که دولت یا حکومت ایالات متحده آمریکا از همین مردم شکل گرفته و نماینده ارزش‌های متنوع مردم آمریکاست. در انتخابات اخیر، جمله معروف و آغاز قانون اساسی آمریکا از «ما مردم» به «من، من، من، همینم که هستم» بدل شد. هر دو حزب رقیب پشت‌سر کاندیداهای خود پنهان شدند. زیرا حمایت مردم را در طول زمان از دست داده‌اند. بر خلاف سنت‌های قدیم مشترک‌زمین، رئیس‌جمهور آمریکا نباید قدرت مطلق در تصمیم‌گیری داشته باشد. به عبارت دیگر، مبارزه میان دو کاندیدا در انتخابات آمریکا با مبارزه رستم و اسفندیار متفاوت است. در مبارزه میان رستم و اسفندیار، هر کدام به دیگری رکاکت، صاحب قدرت می‌شود. در آمریکا «من» تصمیم نمی‌گیرد. رئیس‌جمهور، تصمیم‌گیری را مدیریت می‌کند. - + دونالد ترامپ بن کارس/ هیلاری کلینتون برنی سندرز

با ذره‌بین دنبال عقلای تیم سیاست خارجی ترامپ بگردیم

جاوید قربان اوغلی در گفت‌وگو با «شرق»

■ با توجه به طرح‌شدن گزینه‌هایی رسانه‌ای برای وزارت امور خارجه ایالات متحده که جملگی مواضع تندی در قبال ایران دارند. شعارهای ترامپ مبنی بر فلسفه‌کردن از مسائل دیپلماتیک و توجه بیشتر بر مسائل داخلی آمریکا رنگ می‌بازد؟ یعنی باید در انتظار رفتارهای شبیه دولت نئوکان‌ها در قبال ایران بود؟

من تصور نمی‌کنم چنین چیز شود. آنچه مقصود شماست رویکرد کلی ترامپ است و جریانی که از آنها به عنوان «انزواطلبان» یاد می‌شود که درست در مقابل تز جهانی‌شدن دوران گذشته ایستاده است. در واقع ترامپ به‌صراحت گفته باید بیشتر به آمریکا پرداخت و فرصت‌های شغلی که به چینی‌ها و... داده شده باید برگردد. همچنین تمام هزینه‌هایی که درزمینه امنیت ژاپن، عربستان و اروپا صورت گرفته اگر تمایل به استمرار آن وجود دارد، به وسیله خود این کشورها تامین شود. اروپا و ژاپن برای همین بسیار ترسیده‌اند. اگر ایالات متحده از تامین امنیت آنها رویگردان شود امنیت آنها زیر علامت سؤال می‌رود و اگر این رویه با پرداخت هزینه‌های خود آنان انجام شود توازن جدید در مناطقی که حوزه منافع آمریکا بوده برقرار می‌شود. برخی می‌گویند این رویکرد موجب خیزش جدید برای روسیه، چین و حتی ایران می‌شود که با این نوع سیاست‌های آمریکا موافق نبودند؛ اما موضوع اصلی اینجاست که اعمال این سیاست‌ها که ترامپ از آنها سخن می‌گوید برای آمریکا آسان نیست چراکه تامین امنیت در این حوزه‌ها از توانمندی‌های روسیه و چین بیشتر است. صحبت بر سر هزینه‌های مادی نیست. صحبت سر سیستم و سازوکاری است که در دنیای جدید دنبال می‌شود. اگر این به هم بخورد شاهد زلزله‌ای در حوزه اجتماعی و نه نظامی داشته باشد، مطلوب‌تر بود؛ این ساده‌انگاری است که با همسان‌سازی مسئله واردشدن ترامپ به موضوعات سیاسی و پیشینه تجاری او بتوانیم از «معامله بین ایران و ترامپ» سخن بگوییم. چنین فردی که طیفی از افراطیون بسیار تند و همچنین جمهوری‌خواهان عمل‌گرا را تشکیل می‌دهند. اگر چنانچه کابینه بتواند ترکیبی از این دو بشود شاید ترامپ به تعادلی در دیدگاه برسد. اگر این گمانه‌زنی درست باشد که ترامپ از میست راهنی برای وزارت خارجه دعوت کرده تعدیل خوبی به نسبت جان بولتون و رود جولیانی صورت گرفته و حداقل وزارت‌خارجه. افراطی عمل نخواهد کرد.

■ آیا روندی که دونالد ترامپ درباره مسائل مرتبط با سیاست خارجی در پیش گرفته و نوعی سکوت رازآمیز را دنبال می‌کند، امری معمول برای رؤسای جمهور منتخب است؟

اولا همان‌طور که آقای اوباما در یک اظهارنظر شفاف درباره ترامپ -خلف خود- گفت مسئولیت اداره کشور در مسند ریاست‌جمهوری با آنچه در زمان کمپین انتخاباتی بیان شده بوده کاملا متفاوت است. ترامپ از زمان انتخاب سعی کرده کمتر به سیاست خارجی ورود کند. این مسئله البته دلایل بسیاری دارد که اگر تمایل داشتید در ادامه بحث به آن خواهم پرداخت.

■ بله حتما. مسئله این است که شاید بلیه رؤسای جمهور منتخب ایالات متحده نیز در مقطع انتقال دولت، همین روند را سپری می‌کردند اما به دلیل شناخته‌شده‌بودن و دارابودن سوابق سیاسی، این میزان تعلیق درباره عملکرد آنان ایجاد نشده بود. آیا می‌توان فقدان شناسنامه سیاسی برای ترامپ را عامل تشدید نگرانی‌ها دانست؟

اگر بخواهم با ادبیات رسمی‌تری توضیح بدهم تصورم این است که این اتفاق را باید ناشی از احتیاط ترامپ در درجه اول با توجه به فقدان سابقه سیاسی و اجرائی او و البته مشاورت کسانی که به او نزدیک هستند و تیم سیاست خارجی را رأیزنی می‌کنند دانست. به‌هرحال مشاوران رئیس‌جمهور منتخب در تلاش هستند پیش از اینکه به تصمیم درباره سیاست‌های کلی خارجی برسند از ترامپ بخواهند از ورود به جزئیات پرهیز کند.

■ در روزهای گذشته اظهارات مختلفی درباره سود یا زیان احتمالی حضور ترامپ در کاخ سفید برای ایران و ایرانیان شنیده شده است. خود شما فکر می‌کنید این تاجر کمتر سیاسی، بیش از یک جمهوری‌خواه شناخته‌شده با نامزد دموکرات‌ها، به سود ایران باشد؟

من از ابتدا با این ایده مخالف بودم و اعتقاد داشتم ورود فردی که حداقل کارنامه شفافی در مسائل سیاست خارجی دارد و تجربیاتی را داشته و تیم همکار و شناخته‌شده هستند با همه مخاطرانی که می‌توانست برای ایران در حوزه اجتماعی و نه نظامی داشته باشد، مطلوب‌تر بود؛ این ساده‌انگاری است که با همسان‌سازی مسئله واردشدن ترامپ به موضوعات سیاسی و پیشینه تجاری او بتوانیم از «معامله بین ایران و ترامپ» سخن بگوییم. چنین فردی که طیفی از افراطیون بسیار تند و همچنین جمهوری‌خواهان عمل‌گرا را تشکیل می‌دهند. اگر چنانچه کابینه بتواند ترکیبی از این دو بشود شاید ترامپ به تعادلی در دیدگاه برسد. اگر این گمانه‌زنی درست باشد که ترامپ از میست راهنی برای وزارت خارجه دعوت کرده تعدیل خوبی به نسبت جان بولتون و رود جولیانی صورت گرفته و حداقل وزارت‌خارجه. افراطی عمل نخواهد کرد.

■ آیا روندی که دونالد ترامپ درباره مسائل مرتبط با سیاست خارجی در پیش گرفته و نوعی سکوت رازآمیز را دنبال می‌کند، امری معمول برای رؤسای جمهور منتخب است؟

اولا همان‌طور که آقای اوباما در یک اظهارنظر شفاف درباره ترامپ -خلف خود- گفت مسئولیت اداره کشور در مسند ریاست‌جمهوری با آنچه در زمان کمپین انتخاباتی بیان شده بوده کاملا متفاوت است. ترامپ از زمان انتخاب سعی کرده کمتر به سیاست خارجی ورود کند. این مسئله البته دلایل بسیاری دارد که اگر تمایل داشتید در ادامه بحث به آن خواهم پرداخت.

■ بله حتما. مسئله این است که شاید بلیه رؤسای جمهور منتخب ایالات متحده نیز در مقطع انتقال دولت، همین روند را سپری می‌کردند اما به دلیل شناخته‌شده‌بودن و دارابودن سوابق سیاسی، این میزان تعلیق درباره عملکرد آنان ایجاد نشده بود. آیا می‌توان فقدان شناسنامه سیاسی برای ترامپ را عامل تشدید نگرانی‌ها دانست؟

اگر بخواهم با ادبیات رسمی‌تری توضیح بدهم تصورم این است که این اتفاق را باید ناشی از احتیاط ترامپ در درجه اول با توجه به فقدان سابقه سیاسی و اجرائی او و البته مشاورت کسانی که به او نزدیک هستند و تیم سیاست خارجی را رأیزنی می‌کنند دانست. به‌هرحال مشاوران رئیس‌جمهور منتخب در تلاش هستند پیش از اینکه به تصمیم درباره سیاست‌های کلی خارجی برسند از ترامپ بخواهند از ورود به جزئیات پرهیز کند.

مثل دهه ۹۰ هستیم که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و برهم‌خوردن جهان دوقطبی اتفاق افتاد. اگر بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و نظامی دنیا درحال‌حاضر از برخی از سیاست‌های کلی دست‌کشی می‌شود و این مسئله‌ای نیست که فقط در اختیار ترامپ باشد.

■ در روزهای گذشته اظهارات مختلفی درباره سود یا زیان احتمالی حضور ترامپ در کاخ سفید برای ایران و ایرانیان شنیده شده است. خود شما فکر می‌کنید این تاجر کمتر سیاسی، بیش از یک جمهوری‌خواه شناخته‌شده با نامزد دموکرات‌ها، به سود ایران باشد؟

من از ابتدا با این ایده مخالف بودم و اعتقاد داشتم ورود فردی که حداقل کارنامه شفافی در مسائل سیاست خارجی دارد و تجربیاتی را داشته و تیم همکار و شناخته‌شده هستند با همه مخاطرانی که می‌توانست برای ایران در حوزه اجتماعی و نه نظامی داشته باشد، مطلوب‌تر بود؛ این ساده‌انگاری است که با همسان‌سازی مسئله واردشدن ترامپ به موضوعات سیاسی و پیشینه تجاری او بتوانیم از «معامله بین ایران و ترامپ» سخن بگوییم. چنین فردی که طیفی از افراطیون بسیار تند و همچنین جمهوری‌خواهان عمل‌گرا را تشکیل می‌دهند. اگر چنانچه کابینه بتواند ترکیبی از این دو بشود شاید ترامپ به تعادلی در دیدگاه برسد. اگر این گمانه‌زنی درست باشد که ترامپ از میست راهنی برای وزارت خارجه دعوت کرده تعدیل خوبی به نسبت جان بولتون و رود جولیانی صورت گرفته و حداقل وزارت‌خارجه. افراطی عمل نخواهد کرد.

■ آیا روندی که دونالد ترامپ درباره مسائل مرتبط با سیاست خارجی در پیش گرفته و نوعی سکوت رازآمیز را دنبال می‌کند، امری معمول برای رؤسای جمهور منتخب است؟

اولا همان‌طور که آقای اوباما در یک اظهارنظر شفاف درباره ترامپ -خلف خود- گفت مسئولیت اداره کشور در مسند ریاست‌جمهوری با آنچه در زمان کمپین انتخاباتی بیان شده بوده کاملا متفاوت است. ترامپ از زمان انتخاب سعی کرده کمتر به سیاست خارجی ورود کند. این مسئله البته دلایل بسیاری دارد که اگر تمایل داشتید در ادامه بحث به آن خواهم پرداخت.

**■ بله حتما. مسئله این است که شاید بلیه رؤسای جمهور منتخب ایالات متحده نیز در مقطع انتقال دولت، همین